



تهران : آذان ظهر ۱۲:۱۸ آذان مغرب ۱۷:۴۹ آذان صبح فردا ۵:۳۹ طلوع آفتاب ۷:۰۵

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

پرسش از فرهنگ

فرهنگ و تربیت

ناصر فکوهی

■ در موارد بسیاری و به‌ویژه نزد کنشگران متعارف اجتماعی و حتی کسانی که از سطح بالایی از سرمایه فرهنگی برخوردارند با نوعی اشتباه اغلب ناخودآگاهانه، روبه‌رو می‌شویم که خود را به‌خوبی در سطح زبان و اشار‌هایی که در آن در هم معنی گرفتن «فرهنگ» و «تربیت» می‌شود، نیز نشان می‌دهد. این اشتباه مبتنی بر آن است که «فرهنگ» را اصولاً «آموزش» یا حتی با «ادب» یک‌سی بگیریم. به‌عبارت دیگر این تصور که فرهنگ بیش از هر چیز در جنبه آموزشی خود یا حتی اگر خواسته باشیم از زبان خود فرهنگ‌شناسان استفاده کنیم، در جنبه «انتقال» آن از یک نسل به نسل دیگر یا از یک گروه به گروه دیگر، متمرکز است و متبلور می‌شود. اغلب نزد «آموزش‌دهندگان» اعم از رسمی (آموزگاران، سیاستمداران...) یا غیررسمی (پدر و مادران، دوستان و...) به آموزش و «تربیت» «صبیحت» کردن به دیگران، حال چه بر این دیگران، دارای حقی خوشاوندی باشند و چه حتی قانونی و حتی چه حق و وظیفه‌ای اخلاقی، با باوری بسیار رایج سرورکار داریم. هدف از این گفتار پاسخ به آن است که چرا اصولاً گفت‌مان‌های تربیتی و فرهنگی از دو جنس متفاوت هستند که همواره بر یکدیگر تطبیق و هم‌پوشانی ندارند. از نقطه آغازین شروع کنیم: تقابل آموزش‌دهنده/آموزش‌گیرنده، خود تقابلی است که به مثابه یک اصل موضوعه و بدیهی مطرح می‌شود و این امر را هم در مشخص و بدیهی بودن دو طرفی که باید آموزش بدهند و آموزش بگیرند می‌بیند و هم در موضوع آموزش به عبارت دیگر این امر بدیهی فرض می‌شود که والدین باید آموزش بدهند و فرزندان باید آموزش بگیرند؛ مسوولان باید به شهروندان بگویند چگونه در زندگی اجتماعی خود رفتار کنند و شهروندان باید سخن آنها را ملاک زندگی و رفتار خود قرار دهند و غیره. از طرف دیگر، این نیز یک امر بدیهی فرض می‌شود که آنچه «آموزش» داده می‌شود و «آموخته» می‌شود دقیقاً همان چیزی است که «باید آموزش داده شود و آموخته شود» بنابراین نباید شکی در «محتوا»ی آموزش نیز داشت. از این رو است که گفت‌مان‌های تربیتی تقریباً به صورتی خودکار دایماً در این جهت استدلال می‌کنند و منابع فکری و شیوه‌های نتیجه‌گیری خود را همواره بااین هدف دنبال می‌کنند که: «آن چیزی که مناسب است به شیوه درست و به وسیله یک آموزگار ورزیده آموزش داده شود و آموخته‌نیز آن‌طور که باید و شاید آن را بیاموزد.» اما اگر فراتر از این تقابل‌ها و این شیوه‌های خطی در گفت‌مان فرهنگی جلو برویم می‌بینیم که نظام‌های ذهنی و کنشی در هر جامعه‌ای و ویژه امروز که تقابل‌های فرد/جمع، واقعی/سجازی و... آفتقرها که ممکن است تصور نشود، روشن نیستند، لزوماً از گفت‌مان تربیتی تبعیت نمی‌کنند. کنشگران اجتماعی به همین دلیل هر چه بیشتر به جای آنکه بیاموزند، تظاهر می‌کنند که آموخته‌اند و برای آنکه این تظاهر انجام بگیرد، دایماً باید نظام‌های تنبیهی / تشویقی با هزینه‌های هر چه گزاف‌تری به کار بیفتند و گرنه کنشگران حاضر نیستند حتی این تظاهر را نیز انجام بدهند. رانندگان تظاهر می‌کنند که به قوانین احترام می‌گذارند تا جریمه نشوند؛ دانش‌جویان تظاهر می‌کنند (اغلب از طریق حفظ کردن مکلیکی گروهی از مباحث و نظریات و فرمول‌ها) که چیزی آموخته‌اند تا نمره «بد» بگیرند یا از امتیازات و نمرات «خوب» برخوردار شوند. همه به دنبال آن هستند که «جایزه» بگیرند، «تشویق» شوند و نسبت به دیگران «برتر» شناخته شوند و اصولاً «جایزه» از همه نوعش و همه سطوحش یک «فضیلت» ذاتی و افتخارآفرین به حساب می‌آید. اما آسیب‌های اجتماعی دقیقاً از همین‌جا آغاز می‌شود؛ زیرا نظام‌های تنبیهی و تشویقی، هر چند تاکنون همواره در جوامع انسانی حضور داشته و لازم بوده‌اند و شاید همواره نیز چنین بماند، اما این نظام‌ها در منطق گفت‌مان فرهنگی خود بخشی از آسیب‌شناسی در رفتارهای ذهنی و کنشی میان انسان‌ها و میان انسان‌ها با سایر موجودات نیز بوده‌اند. گفت‌مان تربیتی، دست‌کم به صورتی که تا پیش از جنگ جهانی دوم وجود داشت و متأسفانه هنوز در کشور ما برآن اساس به پیش می‌رود، نه فقط نگاهی به شیوه‌ها و روابط جدیدی بین‌داند که میان نظام آموزشی با سایر نظام‌های فرهنگی و اصولاً اندیشه پیچیده و بین‌رشته‌ای و باز وجود دارند و امروز در جهان مطرح‌اند؛ بلکه نقدی سهمگین نسبت به خودشیفتگی این نظام‌ها چه از نوعی رسمی‌شان، نظیر گفت‌مان‌های سیاسی، مدیریتی، نهادینه و چه از نوع غیررسمی‌شان نظیر گفت‌مان‌های خانوادگی، روشنفکرانه، هنرمندانه و اخلاقی انجام دهد.

شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : آذان ظهر ۱۲:۱۸ آذان مغرب ۱۷:۴۹ آذان صبح فردا ۵:۳۹ طلوع آفتاب ۷:۰۵

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

«مارکز» و خدمات متقابل روزنامه‌نگاری و رمان‌نویسی

حمید جعفری

نویسنده و روزنامه‌نگار کلمبیایی «گابریل گارسیا مارکز» از مهم‌ترین نویسندگان قرن بیستم به‌شمار می‌رود. جایزه نوبل در سال ۱۹۸۲ در حالی به «گلیو» اهدا شد که هنوز از زندگان برنده نوبل به‌شمار می‌رود. علاوه بر «گلیو» رمان‌نویس که با «صد سال تنهایی» و «عشق سال‌های وباه» شناخته می‌شود، آثار روزنامه‌نگاری این نویسنده نیز می‌تواند به‌خوبی معرف نویسنده‌های باشد که در انتقاد از دولت کلمبیا هیچ خویشندان‌ی‌ای از خود نشان نمی‌دهد. «گلیو» که این روزها در تبعید و در «مکزیکوسیتی» به‌سر می‌برد، در تازه‌ترین مصاحبه‌اش که در وب‌سایت «سان نیوزآنلاین» منتشر شده در مورد عشق خود به روزنامه‌نگاری می‌گوید: آنچه در ادامه می‌آید گزیده‌ای از پاسخ‌های «گلیو» در این مصاحبه است.

■ ■ ■

■ معتقدم روزنامه‌نگاری بُعد زندگی حرفه‌ای من است. اول به عنوان یک رمان‌نویس، استقلال مالی خود را به دست آوردم و حالا به این فکر می‌کنم که می‌توان از ایده‌های روزنامه‌نگاری لذت برد.
■ درباره روزنامه‌نگاری و رمان‌نویسی، مسوولیت‌های مختلفی متوجه نویسنده است مانند ایجاد توازن میان حقیقت در مقابل تخیل. در روزنامه‌نگاری این یک واقعیت است که تعصبات باعث می‌شود کار پایان خوبی نداشته باشد. در مقابل در داستان یک حقیقت واحد درست است که به کل اثر مشروعیت می‌دهد اما تنها تفاوت این دو کار در این مساله، در تعهد نویسنده نهفته است. رمان‌نویس می‌تواند هر چیزی را در هر زمانی بنویسد اما روزنامه‌نگار چنین شرایطی را ندارد.

■ هنگامی که من برای روزنامه‌ها کار می‌کردم، بسیار آگاهانه از هر کلمه استفاده می‌کردم. با تحصیل در رشته حقوق در دانشگاه بوگوتا و همزمان با روزنامه آزادخواه

شوبرت، مسافر زمستان

کریستف رضاعی

همه آهنگسازان قبل از او برده و به اوج هنری رسانده است. در میان این ۶۰۰ لیدر، دو مجموعه لیدر وجود دارد که قابل‌توجه هستند. یک مجموعه «آسیایان (زن) زیبا» نوشته ۱۸۲۳ که شامل ۲۰ لیدر است براساس اشعار «ویلهلم مولر» و دومین و پخته‌ترین مجموعه «سفر زمستان» نوشته ۱۸۲۷ – یک سال قبل از مرگ او – که شامل ۲۴ لیدر وبراساس اشعار همان شاعر نام برده شده است.

این مجموعه دوم، علاوه بر اوج تعادل بین مفاهیم اشعار و موسیقی و ملودی، یک زندگینامه شخصی «شوبرت» نیز هست در این دو سیکل، بار دراماتیک شعر و موسیقی، کاملاً فکر شده و برنامه‌ریزی شده است.

«سفر زمستان» یک مونولوگ درازی است که بیانگر غم و اندوه عشق، غرور مجروح و وسعت گسترده ناامیدی و تنهایی بشر است. هر کدام از این لیدرها یک درام کامل هستند. خاتمه این دو مجموعه «مرگ» است در این آثار، اوج دوره رمانتیسیم بیان می‌شود. اشعار و موسیقی به هم می‌پیوندند و به هم می‌رسند، در اوج «پانوشت: آوازخوان آلمانی «دیترش فیشر دسیکا»

که در یادداشت فوق نامش برده شده، خواننده معاصر آلمانی است که تمام زندگی کاری‌اش را در خدمت اجرای لیدرهای «شوبرت» گذاشته.

رویداد

عرضه مجموعه «هوای تازه»

ایستنا: مجموعه‌ای از فیلم‌های مستند ایرانی وارد بازار ویدیویی کشور شده است. این مجموعه «هوای تازه» نام دارد و زیر نظر و با سرمایه‌گذاری ناصر صفریان شکل گرفته است. در مجموعه مستندهای عرضه شده، آثاری از محمدرضا مقدسیان، ابراهیم مختاری، مجتبی میرتھماسب و بهمن کیارستمی حضور دارند. نخستین سری این مجموعه شامل این عنوان‌هاست: «گفت‌وگو در مه» محمدرضا



تهران : آذان ظهر ۱۲:۱۸ آذان مغرب ۱۷:۴۹ آذان صبح فردا ۵:۳۹ طلوع آفتاب ۷:۰۵

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ شماره: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

■ «ال‌اسپکتادور» همکاری داشتیم. حداقل سه داستان در هفته، دو یا سه سرمقاله، یادداشت‌های روزانه و بررسی فیلم از جمله فعالیت‌هایم بود. بعد از همه همکاریم به خانه می‌رفتم و مشغول نوشتن رمان می‌شدم. معمولاً آنچه را که می‌نوشتیم یک پاراگراف چهار یا پنج خطی بود که روز بعد پاره می‌شد. در همین روزنامه بود که گزارش داستانی سرگذشت یک غریب به صورت پاورقی چاپ شد.

■ تغییر در آثار من هم از تحسین خوانندگان به وجود آمده و هم اینکه نوعی تعهد سیاسی است. نوشتن برای مردم یک مسوولیت خاص ادبی و سیاسی است.

■ نوشتن برای من با نقاشی یا طراحی و کارتون آغاز شد. خاطراتم را که مرور می‌کنم یادم می‌آید که در دبیرستان معروف بودم به اینکه در آینده نویسنده خواهم شد. اگرچه تا آن زمان چیز خاصی ننوشته بودم. زمانی که وارد دانشگاه شدم (رشته حقوق) با توجه به ذهنیت و زمینه‌ای که از ادبیات داشتم دوستان بسیاری پیدا کردم که در همین ارتباطات با ادبیات و نویسندگان معاصر آشنا شدم. یکی از دوستانم کتابی از داستان‌های کوتاه «کافکا» را به من داد و با «کافکا» بود که متوجه شدم می‌توان داستان کوتاه هم نوشت. این گونه فهمیدم که بین داستان و زندگی می‌توان ارتباط برقرار کرد.

■ در مورد تأثیر روزنامه‌نگاری بر داستان‌نویسی‌ام می‌توانم بگویم که یک تأثیر دو جانبه دارد. چرا که روزنامه‌نگاری به نوشتن، ارزش ادبی می‌دهد از طرف دیگر هم روزنامه‌نگاری بر بعد نویسنده‌گی من تأثیر می‌گذارد این گونه که ارتباط من با واقعیات بیشتر شد.



دکه

سرانجام «بخارا»ی زمستانی

پس از ۱۵ روز تلاش در هوای دودآلود تهران که منجر به دوبار بستری شدن سردبیر «بخارا» شد، سرانجام در آخرین ساعات دیروز، اولین نسخه از تنور صحافی درآمده و به صفحه آخر «شرق» رسید. از فردا صبح «بخارا» ی زمستانی در دکه‌های مطبوعاتی و کتابفروشی‌ها عرضه می‌شود. در روزگاری

که تأثیرگذاران فرهنگ و ادبیات یک‌صد سال گذشته ایران به دست فراموشی سپرده می‌شود، این فقط بخارااست که به معرفی دوباره و تجلیل از ایشان نشسته است. حالا پس از مینوسی و علامه‌فروینی و... بخارا در شماره هشتاد و چهارم به تجلیل از زندehاد بدیع‌الزمان فروزافر نشسته است. بخش قابل توجهی از این شماره به بررسی زندگی و آثار استاد فروزافر اختصاص یافته‌است که نویسندگان‌های همچون شفیعی‌کدکنی، مهدی‌دامغانی، سیمین دانشور، منوچهر ستوده، مهدی



روزگار نمی‌توان پیدا کرد. شعری از دکتر شفیعی کدکنی که با خطی خوش آمده است: «آخرین برگ سفرنامه باران / این است که زمین چرکین است.» شماره آذر و دی ماه «بخارا» به قیمت هشت هزار تومان از فردا در دسترس علاقه‌مندان است.

ادامه‌از صفحه اول

فراز و نشیب‌های یک دیپلماسی

مشکلات ریز و درشت داخلی مواجه است. انتظارات ایران از روسیه بسیار فراتر از واقعیات موجود است. باید باور داشته باشیم که رابطه ایران و روسیه در یک چارچوب تعیین شده می‌تواند برای ما مفید هم باشد. اما اگر باور نداشته باشیم که سیاست خارجه روسیه تنها محدود به ایران است اشتباه بزرگی را مرتکب شده‌ایم. روابط خارجه روسیه از فصل‌های متعددی تشکیل شده است که بخش عمده آن را رابطه با آمریکا، اروپا و جمهوری‌های مشترک‌المنافع تشکیل می‌دهد. هرچند که اگر ایران دیپلماسی کارشناسی‌تری داشت، تا امروز باید می‌توانستیم، به همراه چین و روسیه، از پتانسیل‌هایی که اتحاد این سه کشور قدرتمند منطقه دارند، حداکثر استفاده را بکنیم. باید سیاست خارجه جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای باشد که ایران جایگاه وزین در سیاست خارجه روسیه پیدا کند. اما نباید تمام تخریم‌ها را به‌مان بیاورد. روسیه با شوروی تفاوت‌های زیادی دارد. سیاست خارجی روسیه بسیار عملگراتر از سیاست خارجه شوروی است زیرا روسیه به دنبال احیای جایگاهش در جامعه جهانی است و با

■ * رییس گروه دوستی پارلمانی ایران و روسیه

عکس‌های «حج» توکلیان در موزه بریتانیا



شرق: عکس‌های نیوشا توکلیان، عکاس ایرانی در نمایشگاهی با عنوان «حج، سفر به قلب اسلام» در موزه بریتانیا به نمایش گذاشته شده است. در این نمایشگاه آثار هنرمندان معاصر که موضوع آثارشان در رابطه با حج است به نمایش در آمده است. گفتنی است این بزرگ‌ترین نمایشگاهی است که با موضوع حج برپا شده است. در این نمایشگاه آثار و اشیای گرانبهای مانند قدیمی‌ترین قرآن موجود در دنیا و... در موزه بریتانیا به نمایش گذاشته شده است.

ابوعطا

شریک استراتژیک را توصیف کنید

هادی چپردار



■ البته بر همگان واضح و مبرهن است که بعضی‌ها معتقد می‌باشند که شریک خیلی چیز خوبی می‌باشد. اما بعضی‌ها معتقد می‌باشند که شریک خیلی چیز خوبی نمی‌باشد. مثلاً بابای ما چندسال پیش که با شوهرخاله فرهنگی‌مان شریک گردانید و یک پراید شریکی خرید گردانیدند، یک روز گفت: «ماشین ژمان ماشین نمی‌باشد، بانجام هم فامیل نمی‌باشد. اصلاً ما این شتراکت را نخواستیم» و هرچه مامان‌مان گفت که‌ای مرد، تو خودت همیشه ماشین را با باک خالی به او می‌دهی، بابای ما گفت: اگر شریک خوب می‌باشد، خدا هم برای خودش داشته می‌باشد. اما ما فکر می‌کنیم که شریک‌ها دو گروه و گروه می‌باشند: شریک استراتژینگ و شریک معمولی. شوهرخاله ما شریک معمولی بوده، ولی شریک‌ها اگر استراتژینگ باشند، قضیه خیلی فرق می‌گردد و کار به جدایی نمی‌کشانیده می‌شود. مثالش هم این‌هاست: گردی‌های خودمان اکبرزاده و پورساحلی، اکبرزاده با اینکه خیلی گنده و رفوزه و کتک‌کاری می‌باشد و به همه زور می‌گوید و در زنگ تفریح اغذیه بپیه‌ها را می‌گیرد و می‌خورد، اما فقط با پورساحلی دوتایی دوست می‌باشند. پورساحلی خیلی موجود عجیبی می‌باشد و فامیل‌هایش همه خارج می‌باشند، اما خودش به خارجی‌های استعمار جهانی فحش می‌گرداند. پورساحلی خیلی خنگ می‌باشد و همیشه دلقک‌بازی می‌گرداند، اما در سر امتحان یکپو نایفه می‌گرداند و معلوم نیست که او چه‌جوری این نمره‌های خوب را می‌آورد. آیا او خنگ می‌باشد یا باهوش می‌باشد؟ پورساحلی هر روز یک جور حرف می‌زند و نصفش زیر زمین می‌باشد. خلاصه ما نفهمیدیم که آن اکبرزاده لنگ‌دراز با این پورساحلی نیم‌وجبی چه‌جوری دوست گردیده‌اند که اکبرزاده به همه زور می‌گوید غیر از پورساحلی. اما ما از این موضوع درباره کشور خود نیز خیلی نتایج‌های می‌گیریم که باید دوستی‌ها وشریکی‌های استراتژینگ را به‌یادآوریم. اگر ما شریک‌های استراتژینگ خوب و قوی داشته باشیم، هیچ‌کس به ما زور نمی‌گوید و کشور ما مثل پورساحلی آسیب‌ناپذیر می‌گردد. مثلاً ما شنیده‌ایم که ما سال‌ها پیش باجمع‌الجزایر تیمور که کشوری در آفریقا می‌باشد، شریک استراتژینگ گردیده‌ایم. برای درک بهتر موضوع، من و همکلاسی خود خاتم‌آبادی کار گروه تشکیل گردانیدیم و نقشه دنیا را دنبال این کشور استراتژینگ گشتیم و پیدا نکردیم، اما به‌رحال این خیلی خوب می‌باشد که ما نه با یک کشور معمولی، بلکه با یک مجمع‌الجزایر شریک استراتژینگ می‌گردانیم. این‌جوری دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند به ما زورهای زیادی بگوید. برای بیشتر شدن اطلاعات ما، خاتم‌آبادی که بلد است اینترنت بکند، اینترنت کرد و چیزهایی را درباره قیابیل تیمور فهمید. مثلاً اینکه توموری‌ها قبلاً باان‌مان هم ندانسته‌اند بخورند، ما یک بسته مدبریتی به رییس قبیله آنها دادیم و زندگی آنها متحول گردانیده شد. البته بر همه کس واضح و مبرهن است که هیچ‌چیزی، حتی ملادیاتی که ما داریم، نمی‌تواند مثل بسته مدبریتی زندگی یک شریک استراتژینگ را متحول بگرداند. براساس تحقیقات‌های خاتم‌آبادی، روسای قبیله پس از دریافت بسته، آن را به‌جای خواندن خورده‌اند، چون حتی به دهن‌شان هم نمی‌رسیده که با یک بسته غیراز خوردن می‌شود کارهای دیگر هم کرد. اما همین امر زندگانی مردم تیمور را آفت‌زد متحول گردانیده که ظرف چند سال الان بیشتردرصد مردمان‌هایش مدرک دکترا دارند، آن هم از دانشگاه آکسفورت با هاروارد. البته طبق تعالیم بسته مدبریتی، کارشناسی ارشد مهم‌تر از مدرک دکترا می‌باشد. حتی دکترا هم باید کارشناس ارشد باشند. در این چند سال، مردم کشور دوست و دوردست اقلب در همه زمینه‌ها کارشناس ارشد گردیده‌اند؛ به‌نحوی که پارسال جای ماسلوزر تیمم فوتبال جزیره با وزیر انرژی‌شان عوض شد و آب از آب تکان نگردد. خلاصه ما باید از توموری‌ها که در این روزگار با ما دوست شده‌اند، نهایت تشکر را بگردانیم. همچنین دعا بگردانیم که این شریک یک وقت غیراستراتژینگ از آب درنیاید و مردمش دو روز دیگر پرچم‌مان را نخورند. ما از انشای خود تنبیه می‌گیریم که آمیزاد باید همیشه خوب بگردد و شریک‌های استراتژینگ واقعی را پیدا کند. خیلی وقت‌ها لازم نمی‌باشد که آدم با آدم‌های خیلی گنده استراتژینگ بگردد، کافی است با چند فقره شریک‌های مجمع‌الجزایر شریک بگرداند. البته آدم باید مواظب باشد، چون درست است که شریک‌های گرسنه با یک قرص نان هم سیر می‌شوند، اما ممکن است اگر نان دیر برسد، خود آدم را درسته بخورند.

پس از بازار مسکن ، ارز ،سکه ، طلا... حالا همه هجوم برای پیش خرید...

قبرستان غیرانتفاعی

بزودی در ...